



## نگاهی به بازتاب بنیان‌های کیش آناهیتا در داستان بیژن و منیژه

مسعود پاکدل<sup>۱</sup>

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رامهرمز، رامهرمز، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۹/۴/۳ - تاریخ پذیرش: ۹۹/۸/۱۲

### چکیده

این جستار به بررسی بنیان‌های کیش آناهیتا در داستان بیژن و منیژه می‌پردازد. بنیان‌های کیش آناهیتا همانند: حیات و زاینده‌گی، تقدس و برکت، سلطه و قدرت و... در داستان بیژن و منیژه که رشته‌ای باریک و نامرئی از اسطوره و داستان را داراست، دیده می‌شود. آناهیتا (ایزد بانوی آب) در سراسر ایران کهن، فرشته پاک و طهارت است. آناهیتا در اسطوره آفرینش زرتشت و فرزند وعده داده شده زرتشت نقش آفرینی کرده است و نماد عفت و پاک‌دامنی زنانه است. قدرت و تسلط دارد و فاعل و کنشگر است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که در داستان بیژن و منیژه، نقش منیژه بازنمایی عملکردهای آناهیتاست. او عاشق و دل‌باخته است. روحیه زنانه‌اش در داستان جریان دارد، ناجی بیژن است، آب و غذا به بیژن می‌رساند و موجب رهایی بیژن گشته است. هبوط بیژن در چاه موجب وصال او می‌گردد؛ زیرا بیژن باید مرارت و سختی ببیند تا شایسته وصال منیژه شود. از همین روی، ویژگی‌های ایزد بانوی آناهیتا در او جلوه‌گر است.

**کلمات کلیدی:** شاهنامه، بیژن و منیژه، آناهیتا، آب، مادر خدایی

## ۱. مقدمه و بیان مسئله

تفسیر چگونگی آفرینش جهان در هر ملتی ریشه در دین و باورهای آنان داشته است و پیروان ادیان گوناگون هر کدام بر پایه اعتقادات خود به بیان آفرینش جهان و تحلیل آن پرداخته‌اند. داستان آفرینش با شباهت‌های چشمگیری در متون ادیان گوناگون گنجانده شده است و در تمام ادیان الهی، وجود آفریننده قدرتمند در رأس آفرینش دیده می‌شود. قبل از پیدایش ادیان نیز، بشر ماقبل تاریخ معمای خلقت را به وسیله اسطوره‌های خویش، که بنا به نظر الیاده و برخی دیگر، همان دین انسان باستانی و نیز زیربنای اعتقادات و ادیان گوناگون بود، بازگو کرده و آفرینش را به ایزد یا ایزدانی نسبت داده است؛ زیرا این مسئله اهمیت و تأثیر بسزایی در اعتقادات و باورهای انسان در طول تاریخ داشته است. ایرانیان از دیرباز به آب و به ایزد موکل آن، به‌عنوان الهه پاک، احترام می‌گذاشتند. آب در روایت‌های کهن، الهه زندگی بخش است. «آناهیتا ایزد بانوی باران، هر جا گام می‌نهد، باران جاری می‌شود. مردم و کشت زاران را سبز و خرم می‌کند. وصف او در یشت‌ها (آبان‌یشت) به زیبایی آمده است» (پورداوود، ۱۳۴۷: ۹۵۲). کاخ نظم‌پی‌افکننده فردوسی طوسی (شاهنامه) یکی از شاهکارهای ادبی جهان است. شاهنامه مشحون از داستان‌های دل‌کش و جذاب است. بیژن و منیژه از جمله داستان‌های عاشقانه شاهنامه است. آنچه فرارو دارید، گفتاری است درباره حضور زنان در میان خدایان اساطیری که به‌صورت ایزد بانوان رخ می‌نماید. شگفتا که این ایزد بانوان گاه در رأس خدایان دیگرند و گاه در مرتبه دوم و به‌صورت مادر خدا و یا همسر خدا نمود پیدا می‌کنند. این ایزدان بانوان سخت‌مطهرند و قداستشان مینوی. اگرچه گاه تنزل مقام دارند اما هرگز از فراز به فرود نمی‌آیند. گاه این اسطوره‌ها آن‌قدر منطبق با واقعیت‌اند که هنوز هم نه عامه مردم که روشنفکران جامعه نیز بدان‌ها دل‌مشغول‌اند. از آن جمله باید به ایزد بانوانی اشاره کرد که مایه خیر و برکت و رزق و روزی شمرده می‌شوند. دوران اسطوره

سپری می‌شود اما روح مینوی اساطیر در تن مردم حلولی نوین می‌کند تا بدان جا که مادر و آب را مایه خیر، برکت و رزق و روزی برمی‌شماریم و این مسئله بر باور اساطیری ایزد بانوی آب (آناهیتا) استوار است در واقع «اسطوره هرگز کاملاً نابود نمی‌شود، تغییر شکل می‌دهد، ادغام می‌شود و با انطباق خود با مسائل و مضامین تازه، حیاتی تازه از سر می‌گیرد و به دوام و پایایی می‌رسد و همین ظرفیت انطباق و تغییرپذیری است که عامل اصلی دوام اسطوره به شمار می‌آید» (رستگار فسایی، ۱۳۸۳: ۲۵).

غرض از این جستار، تبیین بن‌مایه‌های کیش آناهیتا در داستان بیژن و منیژه است. در پژوهش حاضر بر آنیم تا با مطالعه منابع اصلی، دیدگاه‌های علمی را فراهم نماییم، آنگاه با تحلیل موضوع نسبت به ارائه دیدگاه خود که مبتنی بر آموزه‌های علمی و استدلال‌های تجربی خواهد بود، اقدام نماییم. از این رو کوشیده ایم با مطالعات کتابخانه‌ای و بر اساس روش تحلیل محتوا به پرسش‌ها ذیل پاسخ بگوییم:

۱. عملکرد ایزد بانوی آناهیتا چیست؟

۲. بازتاب بن‌مایه‌های کیش آناهیتا در داستان بیژن و منیژه فردوسی چگونه است؟

## ۲. پیشینه پژوهش:

منصوری و همکاران (۱۳۹۱) در «حیات تاریخی ایزدبانوی آناهیتا در شیرین و شکر نظامی» ادامه حیات اسطوره آناهیتا را در داستان مذکور جستجو کرده و به این نتیجه رسیده است که اسطوره گاه در برخورد با تاریخ برای ادامه حیات خود به لایه‌های ژرف‌تر متون پناه می‌برد. چگونگی و چرایی بازتولید ایزدبانوی آناهیتا در منظومه خسرو و شیرین نظامی بدین گونه است که این اسطوره از طریق ادبیات عامه در شخصیت شیرین و شکر نظامی تبلور یافته و به حیات خود در کالبدی جدید ادامه داده است. سرّامی و منصوری (۱۳۹۰) در «هفت زینت مهری در هفت خوان بیژن» به این نتیجه رسیده‌اند که بن‌مایه‌های اساطیری نهفته‌ای در این داستان وجود دارد. این داستان، ارتباطی عمیق و ریشه‌دار با بنیان‌های اعتقادی کیش مهر و

عناصر زنده هفت‌خوانی را به نمایش می‌گذارد. بیژن پس از گذران روند آغازین سلوک میتراپی، درحالی‌که رازآموزی را از سر گذرانده و آماده انجام مراحل عملی آزمون است، به فرمان مرشد مهری خویش راهی سفر ارمان می‌شود تا با کشتن گرازان بیشه ارمان شایستگی خود را به اثبات برساند. زینت‌های آیینی همچون گورخوابی؛ عبور از دالان‌های تاریک و سرما و گرما؛ غسل‌تعمید و تحمل گرسنگی و غربت که از مشخصه‌های آزمون سالکان میتراپی است که آن را می‌گذرانند. غیبی و ویسی (۱۳۹۴) در «تجلی سه نمود حیوانی آناهیتا در افسانه‌های عامیانه ایرانی» بدین نتیجه دست یافته‌اند که آناهیتا ایزدبانوی آب‌ها دارای نمودهای حیوانی در افسانه‌های عامیانه ایرانی است که توانسته در قالب‌هایی همچون اسب، مار، پرنده متجلی شود و کارکردهای خود را در قالبی فرا انسانی ایفا نماید. از دیگر پژوهش‌های مرتبط با این موضوع و داستان می‌توان به «بازشناسی کهن الگوها و عناصر نمادین در داستان بیژن و منیژه» نوشته جعفری و همکاران (۱۳۹۲) و «بررسی ساختاری داستان بیژن و منیژه» نوشته مالمیر و همکاران (۱۳۹۱) اشاره کرد.

### ۳. مبانی نظری و بحث اصلی:

#### ۳-۱. داستان بیژن و منیژه:

داستان بیژن و منیژه که ضمن حوادث پادشاهی کیخسرو، در شاهنامه آمده است، «در قرن چهارم هجری و پیش از آنکه فردوسی آن را به نظم درآورد از شهرت و معروفیت در میان ایرانیان برخوردار بوده است» (صفا، ۱۳۶۳: ۱۷۷). این داستان همچون برخی دیگر از داستان‌های شاهنامه «در کتب اوستایی و پهلوی شناخته شده نیامده است» (همان: ۱۷۸). داستان بیژن و منیژه دارای ساختاری آیینی است. پهلوانی به جنگ گرازان می‌رود و در آنجا توسط همراه خود فریب می‌خورد و به عشق منیژه، دختر افراسیاب، پادشاه توران گرفتار می‌شود. به سرزمین توران می‌رود و به بند کشیده و در چاه زندانی می‌شود تا آنکه منجی و مرشدی نیرومند او را از اسارت رها می‌سازد و به ایران بازمی‌گرداند. این چارچوب با اندک تفاوتی

در بیشتر تمثیلات و داستان‌های بیژن و منیژه رخ می‌نماید. بیژن و منیژه فردوسی بر اساس چاپ خالقی مطلق (۹۷۲۱) بیت است. بیژن و منیژه فردوسی با پیش درآمدی در مورد وصف شب، دل‌تنگی شاعر از شب دیرباز، بیداری او و در نهایت تعریف داستان از زبان مهربان یار فردوسی آغاز می‌شود. «احتمال اخذ داستان از رومیان و به نظم درآوردن آن در مورد بیژن و منیژه فردوسی مطرح است؛ زیرا عده‌ای معتقدند این داستان در شاهنامه ابومنصوری نبوده و خود فردوسی آن را از روایات شفاهی گرفته و به نظم درآورده است» (نلدکه، ۱۳۶۹: ۸۶-۸۵ و تقی‌زاده، ۱۳۴۹: ۲۷۹).

در آغاز بیژن و منیژه به روایت فردوسی، ذکری از زندان بیژن نیست و در عوض، پیش‌درآمد منظومه، جو داستان و فضایی از سیاه‌چال محبس بیژن را نشان می‌دهد. فردوسی اشارت‌وار به سیاهی چاه بیژن پرداخته است. اشاره به سیاهی شب و زمینه‌چینی برای ورود به چاه سیاهی که بیژن در آن زندانی خواهد شد و بیان چگونگی اقدام برای سرودن شاهنامه:

شب‌ی چون شبه روی شسته به قیر	نه بهرام پیدانه کیوانه تیر
دگرگونه آرایشی کرد ماه	بس‌یچ گذر کرد بر پیشگاه
شده تیره اندر سرای درنگ	میان کرده باریک و دل کرده تنگ
ز تاجش سه بهره شده لاژورد	سپرده هوا را به زنگار و گرد
سپاه شب تیره بر دشت و راغ	یکی فرش گسترده از پر زاغ
نموده ز هر سو بچشم اهرمن	چو مار سیه باز کرده دهن

(فردوسی، ۱۹۶۵: ۳/۳۰۳)

داستان با حادثه‌ای شروع می‌شود یعنی هنگامی که کیخسرو برای نبرد با گرازان پهلوانی را طلب می‌کند، سخن از همراهی سه هزار سوار جنگی با پهلوان داوطلب (بیژن) است. کیخسرو، گرگین میلاد را برای راهنمایی همراه بیژن می‌فرستد. در بیژن و منیژه کردی خود بیژن راهنمایی طلب می‌کند و به دستور کیخسرو، گرگین با بیژن همراه می‌شود. در روایت

فردوسی، علاوه بر گرگین، یک نفر راهنما نیز همراه بیژن است» (انجوی شیرازی، ۱۳۶۳: ۲۴۶).

جنبه‌های درامایتیک داستان از آنجا آغاز می‌گردد که منیژه رخسار بیژن را می‌بیند و دل می‌بازد، سپس دایه‌اش را نزد بیژن می‌فرستد و نام و نشان بیژن را می‌پرسد و بیژن نیز ماجرای چگونگی آمدنش به آن مرغزار را برای دایه توضیح می‌دهد و به دایه می‌گوید که اگر او را نزد منیژه ببرد و دل منیژه را با او بر سر مهر آورد، به دایه گوشواره و کمر می‌بخشد. یکی از اصلی‌ترین دلایل توجه منیژه به بیژن روح حماسی آن پهلوان است. در بیژن و منیژه حکیم فردوسی، حضور بیژن در باغ منیژه سه روز و سه شب گفته شده است و زمانی که بیژن قصد رفتن دارد، منیژه او را بی‌هوش می‌کند و با عماری بیژن را به قصر می‌برد.

بیژن از گرسیوز می‌خواهد نزد افراسیاب برای او خواهش‌گری کند و گرسیوز قول یاری به بیژن می‌دهد؛ از این رو بیژن به آسانی است به بند گرسیوز می‌دهد. گرسیوز شبانه پنهانی وارد قصر منیژه می‌شود و بیژن را درحالی که خواب است، دستگیر می‌کند. بیژن هنگام عذر آوردن نزد افراسیاب از پری یاد می‌کند که بر او و منیژه افسون کرده است و بیژن را به کجاوه‌ای که منیژه در آن بوده، نشانده و سپس هر دو (بیژن و منیژه) را به خواب فرو برده است. بیژن پس از آن که عذرآوری‌اش در نمی‌گیرد و افراسیاب او را دروغ‌گو می‌خواند، اسب و گرز گران می‌خواهد تا با یلان توران بجنگد. این گفته باعث خشمگین‌تر شدن افراسیاب می‌شود و دستور بر دار زدن بیژن را می‌دهد. قبل از آمدن نوروز و نگریستن کیخسرو در جام جهان‌نما برای پیدا کردن بیژن، کیخسرو هنگام بی‌تابی گیو، به او می‌گوید: من یقین دارم بیژن زنده است و از موبدان و خردمندان بیداردل شنیده‌ام که من به کین‌خواهی سیاوش به توران می‌روم و بیژن نیز آن‌جا همراه ما خواهد بود.

### ۳-۲. ایزد بانوی آناهیتا

آناهیتا در اوستا به معنی بی لکه و نا آلوده است که می توان آن را به معنی پاک و ناب و بی آرایش گرفت. در فارسی ناهید می گویند. این واژه اوستائی از دو بخش پیوند یافته. نخست: an به معنی «نه نا، بی» دوم: آهیته ahita به معنی آلوده و لکه دار و ناپاک. بنابراین، معنی آن نا آلوده و بی آرایش و دور از ناپاکی خواهد بود. این واژه در اوستا برای چیزهای پاک و مردمان پاک دامن و به ویژه برای آب های پاک و بی آرایش به کار رفته و روی هم رفته نمودار پاکی است. «چون این واژه، به پیکر مادینه (مؤنث)، از این رو گاهی آن را با نام بانو می خوانند و نماینده زنان پاک و پارسا می دانند» (پورداوود، ۱۳۵۶: ۱۷۳).

«آناهیته» (Anahita) مرکب از «ان» علامت منفی و «اهیته» به معنی آلوده است؛ جمعاً یعنی نا آلوده و پاک. این کلمه در اوستا صفت فرشته ای می باشد مؤنث که نگهبان آب است و مخفف آن ناهید است که بعدها به ستاره زهره اطلاق کرده اند (معین، ۱۳۶۲، ذیل آناهید». به معنی نیالوده، پاک و بی آرایش. این صفت در هرمزد پشت، فقره ۲۱ و تیر پشت فقره ۲ و مهر پشت، فقره ۸۸ استعمال شده است» (پورداوود، ۷۶). «آناهیتا» با گذشت زمان به صورت «آناهیتا» و ناهید در آمده است.» (رجبی، ۱۳۶۰: ۳۵۷).

### ۳-۲-۱. زمان ظهور آناهیتا

تعیین تاریخ دقیق ظهور آناهیتا در جمع خدایان اساطیری ساده نیست، اما آنچه به تحقیق می دانیم این است که «نام وی برای نخستین بار در کتیبه های اردشیر دوم در همدان و شوش ظاهر می شود. چیزی که در این کتیبه ها نظر را جلب می کند، این است که در آن ها نام آناهیتا بلافاصله پس از اهورامزدا و پیش از میترا (مهر) ذکر می شود. و این نشانگر پایگاه ارجمند اوست. در دوره پارتیان نیز آناهیتا در کنار اهورامزدا و مهر پرستش می شده است. اما به نظر می رسد که در این دوره از میان سه خدای یاد شده، ناهید جایگاه والاتری داشته

است. گیرشمن حتی معتقد است که در دوران پارتیان همه معابد ایرانی به ناهید تعلق داشته‌اند.» (الیاده، ۱۳۶۲: ۱۳).

### ۳-۲-۲- خویشتکاری ایزد بانوی آناهیتا

#### ۳-۲-۲-۱. حضور آناهیتا در تولد زرتشت

آناهیتا از همان اوان آفرینش نقش فعالی را در آفرینش ایفا کرده است. در هزاره اول از سه هزار سال چهارم، دوه زردشت است. آناهیتا نقش فعالی در اساطیر و آیین دارد. دو گاوی که نزییده‌اند، به صورت معجزه‌آسایی به دست آناهیتا شیردار می‌شوند و بدین گونه جوهر تن زردشت که در آن گیاهان هست با شیر آن گاوها آمیخته می‌شود» (دادگی، ۱۳۶۹: ۸۷-۹۰)؛ (میر فخرایی، ۱۳۶۶: ۲۳-۳۲). «آمدن زردشت از پیش پیش‌گویی شده است. گاو یکتا آفریده، جم، فریدون و حتی گاو معجزه‌گر دوران کاوس از آمدن زردشت خبر داده‌اند. سه روز به تولد زردشت مانده خانه پور و شسب را نور فرامی‌گیرد. در لحظه تولد او، آناهیتا، اشی خوب و دیگر ایزدان حضور دارند» (آموزگار، ۱۳۹۴: ۶۷). آناهیتا حضور فعال در آفرینش، در تولد زرتشت، در تولد فرزند وعده داده‌شده زرتشت و در نگاهبانی از نطفه در رحم مادر دارد. در داستان بیژن و منیژه نقش فعال دارد. او دل‌باخته می‌گردد. او به بیژن آب و غذا می‌دهد. او بیژن را بیهوش می‌کند. او رستم را به بیژن می‌رساند. او نجات‌بخش و یاری‌رسان است.

#### ۳-۲-۲-۲. حضوری فاعلی آناهیتا در تولد فرزند زرتشت

نقش فعال و برجسته آناهیتا در تولد فرزند موعود زرتشت است. در هزاره دوم و سوم از سه هزار سال چهارم: «در روایت‌ها آمده است که زردشت سه بار با همسر خود، هووی، نزدیکی می‌کند و هووی هر بار خود را در آب کیانسه (هامون) می‌شوید و نطفه‌های زردشت از طریق هوی وارد این آب می‌شوند. ایزد نریوسنگ آن نطفه‌ها را در اختیار می‌گیرد و برای نگهداری به ایزد بانو آناهیتا می‌سپارد تا در زمان مناسب با نطفه مادران فرزندان موعود



زردشت بیامیزد. برای نگهداری این نطفه‌ها ۹۹۹۹۹ فروهر مقدس گماشته شده‌اند. جای نگهداری این نطفه‌ها همان آب کیانسه است که گویند همچون سه چراغ در بن دریاچه می-درخشند» (دادگی، ۱۳۶۹: ۵۹).

### ۳-۲-۲-۳. الهه عشق و زیبایی

خدایان الهامات خود را پخش می‌کنند و انسان‌های خوب و الهه‌ها آن‌ها را درمی‌یابند. آفرینش در یونان با خلق کنندگی زئوس ایجاد می‌گردد؛ او با داسش زمین را از آسمان جدا می‌کند؛ بنابراین، زئوس به‌نوعی کار اهورامزدا را ایفا می‌کند اما به میزان قدرت و تأثیر و بی‌کرائگی او نیست. «خدایان یونان برخلاف اهورامزدا تجسد دارند. زئوس را برابر با هرمزد و آناهیتا، همتای ایرانی آفرودیت، الهه عشق و زیبایی در یونان است» (میرفخرایی، ۱۳۶۶: ۱۲۱).  
منیژه زیباروست. بیژن با شنیدن ویژگی‌های زیبای او مجذوب و هواخواه او می‌گردد:

زهر سو نشسته بشادی گروه	پری چهره بینی همه دشت و کوه
درفشان کند باغ چون آفتاب	منیژه کج دخت افراسیاب
همه سرو بالا همه مشک موی	همه دخت توران پوشیده‌روی
همه لب پر از می بیوی گلاب	همه رخ پر از گل همه چشم خواب

(فردوسی، ۱۹۶۵: ۳/۳۱۵)

### ۳-۲-۲-۴. آناهیتا ایزدبانوی مقدس و زایش

ایمان و اعتقاد به آناهیتا در مذهب زردشت به حدی بوده است که فصل مهمی از کتاب مقدس اوستا به این الهه اختصاص داده شده است. «آبان نیایش» در ستایش ایزد ناهید است که بنا بر مضامین اوستایی سرچشمه‌ی مینوی آب‌های جهانی است. خواندن آبان نیایش به‌ویژه در کنار جوی و دریا را ثواب می‌دانند. "آب زوهر ab-zor" یا "نثار به آب" جزئی از مراسم یسنه (Yasna) است که پس از اتمام دعاخوانی یسنه، اجرا می‌شود» (تفضلی، ۱۳۸۰: ۷۸). محققان باستان‌شناسی نیز در همراهی با مورخان اذعان دارند: «آناهیتا به معنای پاکی و

بی‌عیبی و بنا به متن آبان یشت؛ نگهبان آب ورودی مینوی و خیالی است که مظهر تمام آب‌های روی زمین است. ناهید در آبان‌یشت که از زیباترین و شاعرانه‌ترین یشت‌هاست مظهر تمام آب‌هاست و برای خشنودی او فدیه‌ها نثار می‌شد، تا با ازدیاد آب چشمه‌ها و سر آب‌ها، به فراوانی بدر، به رشد و نمو گندم، به گله و رمه بیفزاید و انجام زایش را آسان و برکت و نعمت را فراوان و سرشار نماید» (کام بخش فرد، ۱۳۷۴: ۱۳). گزنفون از تشریفات جشنی در دربار یاد می‌کند: او می‌گوید «در آغاز گروهی از مردان نیزه‌دار می‌آمدند، سپس گاوان و اسبانی را برای قربانی می‌آوردند. آنگاه گردونه مقدس اهورامزدا و به دنبال آن گردونه مهر و گردونه آناهیتا به میدان می‌آمدند و آن‌گاه همه به سوی پرستش‌گاه‌ها می‌رفتند تا مراسم قربانی را به‌جای آرند. ایزد بانوی آب‌های جهان گرچه در رأس دیگر خدایان قرار ندارد؛ اما سخت مورد احترام و تکریم است. با وجود این که رتبه‌اش فروتر می‌شود. منزلت و مقام خویش را از دست نمی‌دهد. این باور که زن الهه‌خانه و کاشانه و مورد برکت خانه است، هنوز هم در اذهان مردمان این بوم و دیار جای دارد. زن و مادر در واقع الهه عشق و باروری است همان‌گونه که آناهیتا ایزد بانوی عشق و باروری بود. این ایزد بانو، برف و باران را به زمینیان هدیه می‌کرد و مادر مهر و عاطفه را به همسر و فرزندان خویش هدیه می‌دهد. اما آئین ستایش آناهیتا به همین‌جا پایان نمی‌تابد. در عصر ساسانیان که دین رسمی ایرانیان زرتشتی بود، شاهان این سلسله آئین وی را گرامی می‌داشتند و از آن پاسداری می‌کردند. کتیبه‌هایی که از این روزگار به‌جای مانده، گواه این سخن است. ما حتی در برخی از آن‌ها نرسی و شاپور سوم را می‌بینیم که حلقه سلطنت را از ناهید دریافت می‌کنند. منیژه نماد آناهیتا و پاکی و قداست را یادآور است. او خویشتن را این‌گونه معرفی می‌کند:

برهنه ندیدی مرا آفتاب

منیژه منم دخت افراسیاب

(فردوسی، ۱۹۶۵: ۳۷۳/۳)

### ۳-۲-۲-۵. آب صفت ایزد بانوی آناهیتا

آب مقدس است. صفت ایزد بانوی آناهیتاست. حیات را منشأ است. آب حیات بخش و بارور تقدس آب را نزد ایرانیان نشان می دهد. آب در آداب و رسوم کارکیایی برجسته دارد؛ به عنوان مثال: غوطه خوردن در آب امکانات زیادی را برای فرد ایجاد می کند، زیرا آب در نقش حیات بخشی، درمان دهی و تعمید و زایایی است. پهلوانان به کمک آب ها می آیند آن هنگام که دیوان خشک سالی را رواج داده اند، پهلوانان دست به کار می شوند. در شاهنامه نیز آب مایه حیات است. رمز درمان و شفا بخشی دارد. آب گاهی، نقش آزمون بر عهده می گیرد آن هنگام که قهرمان باید از آن عبور کند. اشک برای مظلوم خاصیت سرسبزی دارد. آب ها محل امتحان و ابتلای قهرمان نیز هستند. اگر آزمون شونده از آب بگذرد به حیات برتر رسیده است» (آموزگار، ۱۳۸۴: ۳۴). این ایزد بانو نه تنها، ایزد بانوی همه آب های روی زمین که سرچشمه اقیانوس کیهانی نیز بر شمرده می شود. این ایزد بانو بر گردونه ای شگرف و زیبا راه می پیماید و چهار مرکبش چهار موهبت الهی اند که آن ها را: باد، باران، ابر و تگرگ و برخی دیگر برف را به جای باد و جایگزین آن می دانند. این ایزد بانو اسطوره ای بس برجسته و سرچشمه زندگی است؛ زیرا خداوند گار آب است و آب مایه بقای حیات. او پاک کننده تخمه همه نرها و زهدان تمام ماده هاست و اوست که شیر را در سینه همه مادران تصفیه می کند. ارتباط او با زندگی تنگاتنگ است تا بدان جا که در آغاز هر جنگی از وی طلب صحت و پیروزی می کردند؛ زیرا حیات بر پایه بودنش معنا می گرفت. یشت پنجم اوستا، آبان یشت به وی اختصاص داده شده و نزول و فرود او را این چنین توصیف می کند:

ای زرتشت! اردوی سورا ناهید از آن (کره) ستارگان به سوی زمین آفریده اهورا فرود آمد و این چنین گفت: زرتشت را در پرستیدن خود. به راستی ای اسپتتمان! پاک! با این ستایش، مرا بستای، با این ستایش، مراسم مرا به جای آر. از هنگام برآمدن خورشید تا به وقت فرورفتن خورشید از این زورمن تو توانی نوشید و خردمند آزموده ای که کلام مقدس

در او حلول کرده باشد. این ایزد بانو، الهه عشق و باروری بر شمرده می‌شود و در زمان اردشیر دوم برای نخست بار نام وی به صورت آناهیتا و بدون ذکر کلمه اردوی سوره آمده است. او از دیگر سو، همتای آفرودیت، الهه عشق و زیبایی در یونان و ایشتر، الهه بابلی و سرسوتی در هند به شمار می‌رود. این الهه در اوستا، قهرمانان و ضدقهرمانان به یکسان آناهیتا را می‌ستایند و به درگاه او دعا می‌کنند و همواره به حضورش قربانی پیشکش می‌کنند. قدمت این ایزد بانو به قبل از زرتشت برمی‌گردد» (پورداوود، ۱۳۴۷: ۸۷). منیژه با آب رابطه دوسویه دارد. آب به عنوان سربازی در زیر دست اوست. او آب را به میان می‌طلبد. منیژه بیژن را در چاه که جایگاه آب است، پرستاری می‌کند. به او نان و آب می‌بخشد. افراسیاب پس از چند روز به ماجرا پی می‌برد و به کشتن بیژن فرمان می‌دهد. پیران وزیر افراسیاب او را در پای دار نجات می‌دهد و چنین می‌شود که بیژن را در چاهی تاریک می‌افکنند، صخره اکوان دیو را بر آن می‌نهد. منیژه را هم از کاخ بیرون می‌رانند. از آن پس منیژه بی کس و تنها پرستار وفادار بیژن می‌شود که در لباس گدایان نان کشکین فراهم می‌آورد و از سوراخ چاه برای بیژن می‌اندازد. منیژه یاریگر بیژن است. در داستان بیژن و منیژه سرانجام کیخسرو پادشاه ایران در جام جهان‌نما می‌نگرد و از دربند شدن بیژن در چاه آگاه می‌شود و رستم را در لباس بازرگانان برای جست‌وجو و نجات وی می‌فرستد. منیژه چون از آمدن کاروان ایرانی آگاه می‌شود، خود را به آن کاروان می‌رساند و از رستم سراغ پهلوانان ایران را می‌گیرد. رستم نخست او را برای پنهان‌کاری از خود می‌راند، اما منیژه با زاری و ناتوانی مصرانه از او کمک می‌خواهد و با معرفی خود سرانجام رستم را به چاه بیژن رهنمون می‌شود و اسباب نجات او را فراهم می‌کند همراهش به ایران آید و پایگاه شایسته یافت.

### ۳-۲-۶. پیکره‌ها و تندیس‌های آناهیتا

پیکره‌ها و تندیس‌هایی نیز از این ایزد بانو کشف شده است که عموماً به نوعی الهام‌بخش زایش، برکت و نسل‌نویین است. در حقیقت می‌توان با جرات این الهه را هسته بسته دین در

آن دوره به شمار آورد چراکه او در آن واحد برگزیده عشق، باروری و آب است. درباره آناهیتا، شگفت‌انگیزترین نکته آن است که این اسطوره، مبدل به اسطوره‌ای مردمی می‌شود و بعد از عصر هخامنشی دست‌داریش روزافزون می‌گردند. «اما با همه این مردم‌داری‌ها، او به‌عنوان رود اردوی، آبی زورمند است که از کوه هکر به دریای فراخکرد می‌ریزد. او به بزرگی همه آب‌هایی است که در روی زمین جاری است. ستایش او در کنار رودها و دریاها و بر فراز کوه‌ها انجام می‌پذیرد» (تفضلی، ۱۳۸۰: ۳۲). با توجه به مباحث ذکرشده، آناهیتا فزاینده ثروت، برکت، سرزمین و ارزانی دهنده خیر و پیروزی است.

### ۳-۲-۲-۷. آناهیتا؛ قوی و سلطه‌گر

ایزد بانوی اردوی سوره آناهیتا بسیار قدرتمند است و حضورش بسی قوی و پررنگ تا بدان جا که اردوی سوره آناهیتا، اپام نیپات را در خود حل می‌کند و این ایزد در برابرش رخ می‌بازد. این ایزد هم قدمتی برابر تخمه آب‌ها و یکی از سه خدای بزرگی است که لقب اهورایی دارد ولی کم‌کم خصایص و توانمندی‌هایش به ایزد بانوی سوره آناهیتا منتقل می‌شود» (علم‌الهدی، ۱۳۸۲: ۸۷). ایزد آناهیتا در جنگاوری‌ها، زندان و مبارزه یاریگر قهرمان است. داستان بیژن و منیژه از همان آغاز به گفته فردوسی سخن از جنگ و نزاع و اختلاف است:

بیمای می تا یکی داستان بگویمت از گفته باستان  
 پر از چاره و مهر و نیرنگ و جنگ همان از در مرد فرهنگ و سنگ  
 (فردوسی، ۱۹۶۵: ۳/۳۰۵)

از طرف دیگر منیژه سلطه‌گر و قدرتمند است. سختی‌هایی که برای وصال با ایزد بانو در کیش آناهیتا و در اسطوره مطرح است در داستان بیژن و منیژه با زندان افتادن بیژن در چاه ترسیم می‌گردد. چاه جایگاه آب و جوشش آن است. آب نماد ایزد بانوی آناهیتا است. در این داستان منیژه، نقش آناهیتا را نشان می‌دهد. منیژه عاشق می‌شود. منیژه (برای تصاحب

بیژن) نقشه می‌کشد و چاره‌اندیشی می‌کند. منیژه قدرت و سلطه دارد. منیژه جسورتر از خواهرش فرنگیس است. او بیژن پسر گیو پهلوان ایرانی را به جشن گاه خود راه می‌دهد و سه روز با وی به رامش می‌نشیند. هنگامی که بیژن آهنگ باز آمدن می‌کند، منیژه او را داروی بیهوشی می‌خوراند در چادری پنهان می‌کند و به ایوان خود در کاخ پدر می‌برد.

### ۳-۲-۸. آناهیتا، مصدر و مبدأ حیات (مادر خدا)

چون این ایزد بانو مصدر و مبدأ حیات به شمار می‌آید «او را «مادر خدا» نیز نامیده‌اند. او در دوران مادر سالاری در رأس دیگر خدایان قرار دارد، اما در زمانی که اندیشه پدرسالاری رشد می‌کند دیگر آناهیتا در رأس خدایان قرار نمی‌گیرد و در مرتبه دوم واقع می‌شود (میر فخرایی، ۱۳۶۶: ۵۶). در داستان بیژن و منیژه مایه‌های کیش آناهیتا به روشنی یافت می‌شود. همان‌طور که جنگاوری، ازدواج، زایش و باروری از جمله اموری است که زیر نظر او اداره می‌گردد. از دوره دوم هخامنشی بدین سو حضورش دم‌به‌دم پررنگ‌تر و مؤثرتر جلوه می‌کند و نامش در کنار اهورامزدا و مهر تثلیثی مبارک و نیرومند را بنا می‌کند. اوست که قادر است فرّه ایزدی را ارزانی کند. حامی دین‌پرستان و حافظ سلطنت و آثار سلطنتی و یاور اهورامزداست و همواره سعی دارد تا زرتشت این مقدس جاودانه را، به راه راست منتقل کند. عناصر فوق در داستان بیژن و منیژه بازتاب یافته است. بیژن به جنگ با گرازان می‌رود. منیژه قصد دارد با بیژن ازدواج کند. نقش فعال منیژه نشان از قدرت مادر خدایی آناهیتا دارد.

### ۴. نتیجه

رازها و رمزها، که با خلقت بشر بافته شده و به میزان وسیعی دیده و دنیای او را متأثر کرده‌اند، از ذهن و زبان وی به هنر و ادبیات هم راه یافته‌اند. این اساطیر و رمزهای گوناگون سالخورده و اصیل و ماندنی، که روان و جیوه آسا، درون بستر زمانی تاریخی، در یکدیگر می‌لغزند، تکثیر می‌شوند و آنگاه، تازه و جوان، بازهم صورت‌های دیگر و بیشتری از نماد و نشانه می‌زایند. آب در میان ایرانیان، صرف‌نظر از تقدس عناصر چهارگانه «آب»، «آتش»،

«باد» و «خاک» در میان همه باستانیان، به خاطر نیاز بیش از اندازه و مردم آن، در میان ایرانیان از تقدسی خاص برخوردار است. به عبارت دیگر، چون «آب» به فراوانی «خاک» و «باد» نیست، از اعتبار ویژه برخوردار است؛ همچنان که «آتش»، به خاطر کمبود سوخت، همیشه اعتبار ویژه خود را داشته است. آناهیتا ایزد آب و مادر خدایی است. به نظر می‌رسد داستان بیژن و منیژه از بن‌مایه‌های باورمند اساطیری سرشار است. با مقایسه داستان «بیژن و منیژه» در شاهنامه فردوسی و بررسی نگرش باورمندان به کیش آناهیتا، می‌توان گفت، مفاهیمی همچون تقدس آب، حیات‌بخشی آب، قدرت و سلطه مادر و زن، عشق و پاکی، زیبایی و دل‌دادگی، یاریگری و برکت در ایزد بانوی آناهیتا و همچنین منیژه نمود یافته است. چاه و هبوط بیژن از عالم بالا و گرفتاری آن در تخته‌بند تن و فراموش کردن اصل خویش و سرانجام بیداری او با عنایت غیبی یا منجی (رستم) و بازگشت به جایگاه و موطن اصلی است که او را شایسته وصال منیژه نماد ایزد بانوی آب می‌نماید. در واقع این بیژن است که باید سختی مرارات را تحمل کند تا شایسته منیژه گردد. موارد بالا، همگی ساختار اساطیری این تمثیل و داستان را نشان می‌دهد. آب و چاه، عشق و دل‌دادگی، قدرت زنانه و نقش فعال و کنش‌گذار منیژه، نمودهایی از ایزد بانوی آناهیتاست.

### منابع

- آموزگار، ژاله، ۱۳۹۴، تاریخ اساطیری ایران. چاپ ششم، تهران: سمت.
- انجوی شیرازی، سید ابوالقاسم، ۱۳۶۳، فردوسی نامه (ج ۱) مردم و فردوسی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- الیاده، میرچا، ۱۳۶۲، چشم‌انداز اسطوره. ترجمه جلال ستاری. تهران: اساطیر.
- پور داود، ابراهیم، ۱۳۵۶، آناهیتا، پنجاه گفتار پور داود. به کوشش مرتضی گرجی. تهران، امیرکبیر.
- پورداود، ابراهیم، ۱۳۴۷، یشت‌ها، کتابخانه طهوری، تهران.
- تقی زاده، سید حسن، (۱۳۴۹)، فردوسی و شاهنامه او، به اهتمام حبیب یغمایی، تهران
- تفضلی، احمد. ۱۳۸۰، مینوی خرد، تهران: توس.

حرم پناهی، ریحانه، (۱۳۸۱)، ایزد بانوان اهوراییانی ماندگار، کتاب ماه هنر، شماره ۵۱ و ۵۲، صص: ۱۲۲-۱۲۷.

دادگی، فرنیخ (۱۳۶۹). «بندهشن»، ترجمه مهرداد بهار، تهران: توس.

رجبی، پرویز (۱۳۶۰)، ابانگان، مجله چیستا، شماره ۳، صص: ۳۲۸-۳۵۹.

رستگارفسای، منصور. (۱۳۸۲). پیکرگردانی در اساطیر، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

سرامی، قدمعلی و منصوری، سیما (۱۳۹۰)، هفت زینت مهری در هفت بیژن، مجله ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، شماره ۲۳، صص: ۵۹-۱۰۰.

صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۳)، حماسه‌سرایی در ایران، تهران، امیرکبیر.

علم الهدی، هدی. ۱۳۸۲، آب در معماری ایرانی، در مجله هنر، کتاب ماه، شماره ۷۵ و ۸۵، خرداد و تیر.

غیبی، مزده؛ ویسی، الخاص. (۱۳۹۴). «تجلی سه نمود حیوانی آناهیتا در افسانه‌های عامیانه ایرانی»، علوم ادبی، سال پنجم، شماره ۸، صص ۱۱۳-۱۳۸.

فردوسی، ابوالقاسم، (۱۹۶۵)، شاهنامه، تصحیح جلال خالقی مطلق، زیر نظر احسان یارشاطر، نیویورک: بنیاد میراث ایران.

کامبخش‌فرد، سیف‌الله. ۱۳۷۴، شکل‌گیری معماری ناهید در بستر تاریخ، در تاریخ معماری و شهرسازی ایران، میراث.

محمودی، محمدعلی؛ شفیعی‌فر، فرزاد؛ فولادی، یعقوب. (۱۳۹۱). «حیات تاریخی ایزدبانوی آناهیتا در شیرین و شکر نظامی»، زبان و ادبیات فارسی «دانشگاه تبریز»، سال ۶۵، شماره ۲۲۶، صص ۱۰۵-۱۲۸.

میرفخرایی، مهشید (۱۳۶۶). «آفرینش در ادیان»، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

معین، محمد: «ستاره‌ی ناهید یا داستان خرداد و امرداد» تهران، انتشارات ویسمن، ۱۳۷۰، چاپ دوم.

نلدکه، ثوردرور، (۱۳۶۹)، حماسه ملی ایران، ترجمه بزرگ علوی، تهران، چاپ چهارم.